



حس آمیزی در زبان فارسی

رویکردی شناختی و پیکره‌مدار

نویسندگان: دکتر کامیار جولایی

دکتر آریتا افراشی





نشر نویسه پاریس

حس آمیزی در زبان فارسی

رویکردی شناختی و پیکره‌مدار

نویسندگان:

دکتر کامیار جولایی

(دانش‌آموخته دکتری زبان‌شناسی از پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی)

دکتر آریتا افراشی

(عضو هیئت علمی گروه زبان‌شناسی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی)



سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

سرشناسه	چولایی، کامیار، ۱۳۵۸ -
عنوان و نام پدیدآور	حس آمیزی در زبان فارسی : رویکردی شناختی و پیکره‌مدار / نویسندگان کامیار جولایی، آریتا افراشی.
مشخصات نشر	تهران : نویسه پارسی، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری	۲۵۱ ص.
شابک	۹۷۸-۶۲۲-۷۳۸۶-۲۵-۷
وضعیت فهرست نویسی	فیبا
موضوع	حس آمیزی در ادبیات Synesthesia in literature
موضوع	حس آمیزی Synesthesia
شناسه افزوده	افراشی، آریتا، ۱۳۵۱ -
رده بندی کنگره	PIR۲۰۰۹
رده بندی دیویی	۸۲۵۴ / ۸۱۰
شماره کتابشناسی ملی	۷۶۵۲۵۷۵



نشر نویسه پارسه

نویسنده: کامیار جولایی، آریتا افراشی

آتلیه نشر نویسه پارسه: STUDIO FIVE

ناشر: نشر نویسه پارسه

دفتر انتشارات: ۰۲۱-۷۷۰۵۳۲۴۶

نماینده فروش: کتابفروشی توس: ۶۶۴۶۱۰۰۷

سامانه پیام کوتاه: ۳۰۰۰۴۵۵۴۵۵۴۱۴۲

وبگاه: www.neveeseh.com

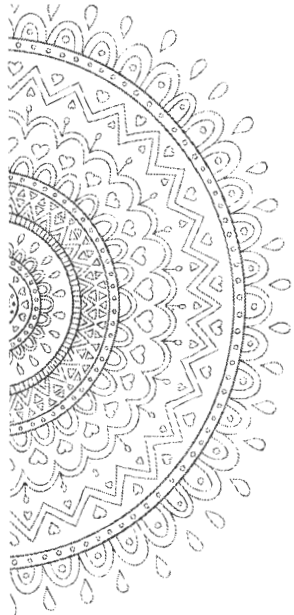
نوبت چاپ: اول، ۱۴۰۰

شمارگان: ۳۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۳۸۶-۲۵-۷

چاپ و صحافی: روز

کلیه حقوق محفوظ و متعلق به «نشر نویسه پارسه» است.
تکثیر و انتشار این اثر یا قسمتی از آن به هر شیوه، بدون مجوز قبلی و کتبی
ممنوع و مورد پیگیری قانونی قرار خواهد گرفت.



پیشگفتار

در گذشته حس‌آمیزی موضوعی بود که صرفاً در حوزه ادبیات مورد توجه قرار می‌گرفت و ادبا این پدیده را به عنوان آرایه‌ای زبانی مورد بررسی قرار می‌دادند. اما امروزه حس‌آمیزی غالباً از دو جنبه مورد بررسی قرار می‌گیرد؛ یکی حس‌آمیزی به عنوان ویژگی‌ای ادراکی که در افراد خاصی بروز پیدا می‌کند و جایگاه مطالعه آن در علم عصب‌شناسی و مطالعات مغز است و دیگری بازنمود حس‌آمیزی در زبان که در حیطه علم زبان‌شناسی، به‌ویژه زبان‌شناسی‌شناختی قرار می‌گیرد.

چنانکه در ادامه خواهیم دید، حس‌آمیزی پدیده‌ای با بنیان شناختی است؛ به بیان دیگر برگرفته از سازوکارهای ذهن بشر است که هم در نحوه ادراک برخی افراد از پدیده‌های اطراف و هم در زبان روزمره بازنمود می‌ابد. در این کتاب سعی داریم ابتدا حس‌آمیزی را با بهره‌گیری از یافته‌های علم عصب‌شناسی معرفی نماییم و خاستگاه آن را در مغز مورد مطالعه دهیم و سپس به بازنمود حس‌آمیزی در زبان به عنوان پدیده‌ای شناختی بپردازیم و مطالعه آن را در زبان فارسی از دیدگاه زبان‌شناسی‌شناختی و با رویکردی پیکره‌ای صورت بخشیم. از این‌رو، این اثر رویکردی میان‌رشته‌ای را به مطالعه پدیده حس‌آمیزی در زبان برگزیده است، به این معنی که با استفاده از علوم عصب‌شناسی، زبان‌شناسی‌شناختی و زبان‌شناسی پیکره‌ای به بررسی همه‌جانبه این پدیده می‌پردازد.

امروزه استفاده از پیکره‌های زبانی و تکیه بر داده‌های واقعی زبانی به صورت گسترده‌ای رواج یافته و شرط اساسی انجام بسیاری از پژوهش‌های نظری و

کاربردی شده است. کتاب حاضر با بهره‌گیری از پیکره‌ای منتخب از پایگاه ۱۰۰ میلیون واژه‌ای داده‌های زبان فارسی برای نخستین‌بار با رویکردی پیکره‌مدار به تحلیل بازنمود حس‌آمیزی در زبان فارسی معاصر پرداخته است. نگارندگان تلاش کرده‌اند تا ضمن بهره‌گیری از روش‌های پیکره‌ای در تحلیل‌های زبانی، خوانندگان را با مهمترین نظریه‌ها و تعاریف موجود در زبان‌شناسی پیکره‌ای که از متأخرترین رویکردها در مطالعات زبان‌شناسی محسوب می‌شوند نیز آشنا سازند.

همچنین درخصوص رابطه میان عبارت‌های حس‌آمیخته و استعاره‌های مفهومی نظرات مختلفی وجود دارد که در کتاب به آنها پرداخته شده است. آنچه از تحلیل شواهد زبانی به دست آمد، رابطه‌ای نزدیک میان استعاره و حس‌آمیزی را نشان داد؛ ازاین‌رو بخشی از کتاب به توضیح نظریه استعاره‌های مفهومی و جایگاه آن در زبان‌شناسی شناختی اختصاص دارد. درکنار آن، موضوعاتی نظیر فرضیه بدنامدی، مجاز مفهومی، بازنمود عواطف در زبان و نیز مبحث فعل‌های حسی در زبان فارسی مورد بحث و بررسی قرار خواهد گرفت.

رابطه میان حس‌آمیزی و انواع انتقال‌های حسی در زبان با مقوله فرهنگ از دیگر مباحثی است که تلاش شده است در این کتاب مورد بحث و بررسی قرار گیرد. نتایج پژوهش صورت گرفته در این اثر از آن رو اهمیت دارد که برای اولین بار امکان مقایسه حس‌آمیزی در زبان فارسی را با پژوهش‌های موجود در زبان‌های دیگر میسر می‌کند و جایگاه زبان فارسی را به لحاظ رده‌شناسی شناختی در میان سایر زبان‌ها مشخص می‌نماید. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که سخنگویان زبان فارسی معاصر از کدام حواس به عنوان حواس پایه‌ای و از کدام حواس در جایگاه حواس تمایزگزارنده برای بیان ادراکات حسی خود استفاده می‌کنند. از آنجا که حس‌آمیزی پدیده‌ای شناختی و دارای بنیانی عصب‌شناختی است، و از سوی دیگر بازنمود آن در زبان، متأثر از عوامل فرهنگی است، تحلیل شواهد حس‌آمیزی در زبان فارسی می‌تواند ما را به درک کامل‌تری از این پدیده رهنمون سازد و علاوه بر تبیین سازوکارهای فیزیولوژیک دخیل در آن که جهانی هستند، از رهگذر مقایسه‌های بین‌زبانی، نقش فرهنگ را نیز در تبیین بازنمود زبانی این پدیده آشکار سازد.

در این کتاب تلاش شد تا نتایج آماری بازنمود حس‌آمیزی در زبان فارسی بر اساس فرضیه بدنمندی که از رویکردهای موردتوجه در زبان‌شناسی شناختی است، توضیح داده شود. همچنین تبیین رابطه میان استعاره‌های مفهومی و پدیده حس‌آمیزی، بررسی انتقال‌های حسی معکوس و بررسی انتقال‌های تک‌حسی و چندحسی از دیگر مواردی بود که در این پژوهش به آنها پرداخته شد. علاوه بر این، استفاده از روش‌های پیکره‌ای در تعیین انتقال‌های حسی مرده و زنده و عبارت‌های حس‌آمیخته نهادینه شده و بدیع، و نیز استفاده از مفاهیم پیکره‌ای نظیر نوع و نمونه در تحلیل عبارت‌های حس‌آمیخته و استفاده از آنها برای سبک‌شناسی آثار ادبی، از جمله مواردی بود که برای اولین بار در این اثر مطرح شدند.

نزدیک به سه دهه از شکل‌گیری زبان‌شناسی شناختی در جهان و حدود یک دهه در ایران می‌گذرد؛ با این حال این شاخه از زبان‌شناسی در ایران، علمی نوپا محسوب می‌شود و حجم کتاب‌هایی که در بازه زمانی گفته‌شده در این زمینه به زبان فارسی انتشار یافته‌اند، انگشت‌شمارند. کتاب حاضر با تکیه بر داده‌هایی از زبان فارسی به هدف معرفی و تبیین یکی از مباحث مهم در زبان‌شناسی شناختی، یعنی حس‌آمیزی در زبان فارسی، نگاشته شده است. امید است که این تلاش سرآغازی برای مطالعه گسترده‌تر این پدیده در ایران باشد.

کتاب حاضر ابتدا در قالب طرحی پژوهشی با حمایت ستاد توسعه علوم و فناوری‌های شناختی آغاز شد و سپس به‌شکلی مبسوط‌تر و کامل‌تر در قالب رساله‌ای با همان عنوان در مقطع دکتری پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی دفاع شد. از این رو جا دارد تا نگارندگان این اثر، مراتب سپاس خود را از آقایان دکتر سیدمصطفی عاصی و دکتر احمد پاکتچی که در جایگاه استاد مشاور با راهنمایی‌های بسیار ارزشمند خود ما را در انجام این پژوهش یاری رساندند، تشکر نمایند. همچنین جا دارد تا مراتب سپاس خود را از آقایان دکتر امید طبیب‌زاده و دکتر علیرضا قلی‌فامیان و نیز سرکار خانم دکتر حیات عامری که با پیشنهادات راهبردی خود ما را در بهبود کیفیت این اثر یاری رساندند، بیان کنیم. در این میان سرکار خانم دکتر حیات عامری مشوق ما در تدوین این کتاب بودند و راهنمایی‌های

ارزشمند ایشان ما را در ارائه هرچه بهتر این اثر یاری نمود. و در پایان فرصت را مغتنم می‌شماریم تا سپاس خود را از دوست عزیزمان، آقای دکتر امیر احمدی، که با پیشنهادات ارزشمند خود ما را در تبدیل رساله به کتاب و چاپ آن یاری رساند، ابراز داریم. بی‌تردید حضور پربار ایشان در جایگاه مدیرمسئول نشر نویسه پارسی و نشر آثاری ارزشمند در حوزه زبان‌شناسی به ارتقای این علم در ایران کمک شایانی نموده است.

کامیار جولایی / آزیتا افراشی

زمستان ۹۹

فهرست مطالب

فصل اول: پیش زمینه.....	۱۹
۱-۱. مقدمه.....	۱۹
۲-۱. حس آمیزی چیست؟.....	۲۱
۳-۱. ضرورت و اهمیت مطالعه حس آمیزی در زبان فارسی.....	۲۳
۴-۱. مطالعه حس آمیزی و کاربردهای آن.....	۲۵
۵-۱. سازمان بندی کتاب.....	۲۶

فصل دوم: ادراک حس آمیخته.....	۲۹
۱-۲. مقدمه.....	۲۹
۲-۲. تعریف حس آمیزی.....	۳۱
۳-۲. ویژگی های تجربه های حس آمیزی.....	۳۲
۴-۲. میزان فراگیری حس آمیزی و انواع آن در افراد جامعه.....	۳۳
۵-۲. انواع حس آمیزی.....	۳۵
۱-۵-۲. حس القا کننده زبان.....	۳۶
۱-۱-۵-۲. حس آمیزی نویسه به رنگ.....	۳۷
۲-۱-۵-۲. حس آمیزی واج به رنگ.....	۳۷
۳-۱-۵-۲. حس آمیزی انسان انگاری نویسه ای.....	۳۷
۴-۱-۵-۲. حس آمیزی انسان انگاری ترتیبی-زبانی.....	۳۷
۲-۵-۲. حس القا کننده بینایی.....	۳۸
۱-۲-۵-۲. حس آمیزی لمسی آینه ای.....	۳۸
۲-۲-۵-۲. حس آمیزی تصویر به صدا.....	۳۸
۳-۲-۵-۲. حس آمیزی تصویر به بویا تصویر به طعم.....	۳۹
۴-۲-۵-۲. حس آمیزی تصویر به حرکت یا تصویر به لامسه.....	۳۹
۵-۲-۵-۲. حس آمیزی تصویر به دما.....	۳۹
۳-۵-۲. حس القا کننده لامسه.....	۳۹
۱-۳-۵-۲. لامسه به دما.....	۴۰
۲-۳-۵-۲. حس آمیزی درد به رنگ.....	۴۰

- ۲-۵-۳. حس آمیزی لامسه به احساسات..... ۴۰
- ۲-۵-۴. حس آمیزی لامسه به بو یا لامسه به طعم..... ۴۰
- ۲-۵-۴. حس القا کننده چشایی..... ۴۱
- ۲-۴-۵-۱. حس آمیزی طعم به رنگ..... ۴۱
- ۲-۴-۵-۲. حس آمیزی طعم به لامسه یا طعم به دما..... ۴۱
- ۲-۴-۵-۳. حس آمیزی طعم به صدا..... ۴۱
- ۲-۵-۵. حس القا کننده صدا..... ۴۱
- ۲-۵-۵-۱. حس آمیزی صدا به رنگ..... ۴۲
- ۲-۵-۵-۲. حس آمیزی صدا به تصویر..... ۴۲
- ۲-۵-۵-۳. حس آمیزی صدا به دما یا صدا به لامسه..... ۴۲
- ۲-۵-۵-۴. حس آمیزی صدا به طعم..... ۴۳
- ۲-۵-۶. حس القا کننده بویایی..... ۴۳
- ۲-۵-۶-۱. حس آمیزی بو به لامسه یا بو به گرما..... ۴۳
- ۲-۵-۶-۲. حس آمیزی بو به طعم..... ۴۳
- ۲-۵-۶-۳. حس آمیزی بو به صدا یا بو به تصویر..... ۴۳
- ۲-۵-۷. حس القا کننده عواطف..... ۴۴
- ۲-۷-۵-۱. حس آمیزی عواطف به رنگ..... ۴۴
- ۲-۷-۵-۲. حس آمیزی عواطف به بو یا عواطف به طعم..... ۴۴
- ۲-۷-۵-۳. حس آمیزی عواطف به صدا..... ۴۴
- ۲-۵-۸. دیگر حواس القا کننده در حس آمیزی..... ۴۵
- ۲-۸-۵-۱. حرکت..... ۴۵
- ۲-۸-۵-۲. شخصیت..... ۴۵
- ۲-۸-۵-۳. اوج لذت جنسی..... ۴۵
- ۲-۸-۵-۴. اشیاء..... ۴۵
- ۲-۸-۵-۵. اعداد..... ۴۶
- ۲-۶. دلایل حس آمیزی..... ۴۶
- ۲-۶-۱. انگاره‌ها و سازوکارهای نورونی حس آمیزی..... ۴۷
- ۲-۶-۲. یافته‌های رنیتیک درحس آمیزی..... ۵۰
- ۲-۷. جمع بندی مطالب..... ۵۱

فصل سوم: حس آمیزی از دیدگاه زبان شناسی شناختی.....	۵۳
۱-۳. مقدمه.....	۵۳
۲-۳. علم شناخت.....	۵۴
۳-۳. زبان شناسی شناختی.....	۵۶
۱-۳-۳. فرضیه بدنمندی.....	۵۹
۲-۳-۳. جریان های مهم در معناشناسی شناختی.....	۶۰
۱-۲-۳-۳. استعاره های مفهومی.....	۶۰
۲-۲-۳-۳. مجاز مفهومی.....	۶۳
۳-۲-۳-۳. بازنمود عواطف در زبان.....	۶۴
۴-۲-۳-۳. استعاره و فعل های حسی.....	۷۰
۴-۳. بازنمود حس آمیزی در زبان.....	۷۶
۱-۴-۳. انتقال حواس در عبارت های حس آمیخته.....	۷۷
۲-۴-۳. انتقال حسی و سلسله مراتب انتقال حواس.....	۷۸
۳-۴-۳. عبارت های حس آمیخته نهاده شده و بدیع.....	۸۲
۵-۳. جمع بندی مطالب.....	۸۴
 فصل چهارم: پیشینه مطالعات در حوزه حس آمیزی.....	۸۷
۱-۴. مقدمه.....	۸۷
۲-۴. مطالعه حس آمیزی در زبان.....	۹۰
۱-۲-۴. مطالعات غیر فارسی زبان.....	۹۰
۱-۱-۲-۴. اولمان (۱۹۵۹): مبانی معناشناسی.....	۹۱
۲-۱-۲-۴. ویلیامز (۱۹۷۶): صفات حس آمیخته، قانون احتمالی تغییرات معنایی.....	۹۲
۳-۱-۲-۴. کالسن (۱۹۹۳): جهان های حواس.....	۹۳
۴-۱-۲-۴. دی (۱۹۹۶): حس آمیزی و استعاره های حس آمیخته.....	۹۴
۵-۱-۲-۴. شن (۱۹۹۷): محدودیت های شناختی بر ارائه های شعری.....	۹۶
۶-۱-۲-۴. یو (۲۰۰۳): استعاره های حس آمیخته، رویکردی شناختی.....	۹۷
۷-۱-۲-۴. لیورز (۲۰۱۵): حس آمیزی، بررسی پیکره بنیاد جهت مندی های بیناوجهی.....	۹۹
۸-۱-۲-۴. یو (۲۰۱۵): عملکرد شناختی استعاره های حس آمیخته.....	۱۰۳

- ۴-۲-۱-۹. ژانو و هوانگ (۲۰۱۵): بررسی پیکره‌بنیاد صفات حس آمیخته در زبان چینی ۱۰۴
- ۴-۲-۱-۱۰. جو (۲۰۱۷): مطالعه پیکره‌ای حس آمیزی در زبان کره‌ای ۱۰۵
- ۴-۲-۲. حس آمیزی در آثار فارسی‌زبانان ۱۰۶
- ۴-۳. مطالعات عصبی-شناختی بر حس آمیزی ۱۰۸
- ۴-۳-۱. مطالعات بر روی جنبه‌های شناختی، ادراکی و ژنتیکی حس آمیزی ۱۰۹
- ۴-۳-۲. مطالعات عصب‌شناختی بر حس آمیزی ۱۱۲
- ۴-۳-۲-۱. رام‌چاندران و هوبارد (۲۰۰۱) ۱۱۳
- ۴-۴. جمع‌بندی مطالب ۱۱۵
- فصل پنجم: رویکرد پیکره‌ای به مطالعات حس آمیزی در زبان** ۱۱۹
- ۵-۱. مقدمه ۱۱۹
- ۵-۲. زبان‌شناسی پیکره‌ای و مفاهیم بنیادی آن ۱۲۰
- ۵-۲-۱. زبان‌شناسی پیکره‌ای ۱۲۰
- ۵-۲-۲. رویکرد پیکره‌ای به زبان‌شناسی شناختی ۱۲۱
- ۵-۲-۳. استعاره در مطالعات پیکره‌ای ۱۲۱
- ۵-۲-۴. انواع پیکره‌ها ۱۲۳
- ۵-۲-۵. شم و مشاهده ۱۲۵
- ۵-۲-۶. رویکرد پیکره‌بنیاد و رویکرد پیکره‌مدار ۱۲۶
- ۵-۲-۷. نمایندگی ۱۲۷
- ۵-۳. روش مطالعه پیکره‌ای عبارت‌های حس آمیخته ۱۲۸
- ۵-۳-۱. طرح کلی مطالعه پیکره‌ای عبارت‌های حس آمیخته ۱۲۸
- ۵-۳-۲. شیوه‌های استخراج استعاره‌ها از درون پیکره ۱۳۰
- ۵-۳-۲-۱. جستجوی دستی ۱۳۱
- ۵-۳-۲-۲. جستجوی رایانشی ۱۳۲
- ۵-۴. مختصات مطلوب پژوهش در حوزه حس آمیزی در زبان ۱۳۴
- ۵-۵. معرفی روش پژوهش ۱۳۶
- ۵-۶. پایگاه داده‌های زبان فارسی ۱۴۱
- ۵-۷. روش استخراج عبارت‌های حس آمیخته از درون پیکره ۱۴۳
- ۵-۷-۱. مرحله اول: تدوین فهرست کلیدواژه‌های حوزه حواس ۱۴۴

۵-۷-۲. گام دوم: استخراج رایانشی جملات بالقوه در بردارنده عبارت‌های حس آمیخته	۱۴۹
۵-۷-۳. گام سوم: تحلیل‌های دستی	۱۴۹
۵-۸. جمع‌بندی مطالب	۱۵۰
فصل ششم: حس آمیزی در پیکره‌ای از زبان فارسی	۱۵۳
۶-۱. مقدمه	۱۵۳
۶-۲. آثار مورد استفاده در پیکره	۱۵۳
۶-۳. پربسامدترین حوزه‌های مبدأ انتقال حواس	۱۵۶
۶-۳-۱. حوزه مبدأ لامسه	۱۵۶
۶-۳-۲. حوزه مبدأ چشایی	۱۵۹
۶-۴. پربسامدترین حوزه‌های مقصد انتقال حواس	۱۶۱
۶-۴-۱. حوزه مقصد شنوایی	۱۶۱
۶-۴-۲. حوزه مقصد بویایی	۱۶۲
۶-۴-۳. حوزه مقصد بینایی	۱۶۳
۶-۵. حواس پنجگانه در جایگاه حوزه مبدأ در توصیف مفاهیم انتزاعی	۱۶۴
۶-۵-۱. حوزه مقصد کلام	۱۶۵
۶-۵-۲. حوزه مقصد عواطف	۱۶۷
۶-۵-۳. حوزه مقصد کنش (اعمال)	۱۶۸
۶-۵-۴. حوزه مقصد حرکت	۱۶۹
۶-۵-۵. حوزه مقصد انسان	۱۷۰
۶-۵-۶. حوزه مقصد افکار	۱۷۱
۶-۵-۷. حوزه مقصد وضعیت	۱۷۲
۶-۵-۸. حوزه مقصد زمان	۱۷۳
۶-۵-۹. حوزه مقصد خواب	۱۷۴
۶-۵-۱۰. دیگر حوزه‌های مقصد	۱۷۵
۶-۶. انواع انتقال‌های حسی در پیکره	۱۷۷
۶-۷. الگوی انتقال حواس در زبان فارسی	۱۷۹
۶-۸. جمع‌بندی مطالب	۱۸۰

فصل هفتم: بازنمود حس آمیزی در زبان فارسی.....	۱۸۳
۱-۷. مقدمه.....	۱۸۳
۲-۷. انواع انتقال های حسی در زبان فارسی.....	۱۸۵
۳-۷. حواس پنجگانه و پربسامدترین حوزه های مبدأ و مقصد در انواع انتقال های حسی در زبان فارسی.....	۱۸۶
۴-۷. جایگاه زبان فارسی به لحاظ رده شناسی شناختی و مقایسه آن با سایر زبان ها.....	۱۸۷
۵-۷. چالش حس آمیزی برای نظریه استعاره مفهومی.....	۱۸۹
۶-۷. تبیین الگوی انتقال حواس در زبان فارسی بر اساس فرضیه بدنمندی.....	۱۹۲
۷-۷. انتقال های حسی معکوس.....	۲۰۲
۸-۷. انتقال های حسی مرده و زایا و عبارت های حس آمیخته نهادینه شده و بدیع.....	۲۰۶
۹-۷. بازنمود حس آمیزی به لحاظ دستوری.....	۲۱۳
۱-۹-۷. حوزه مبدأ در نقش قید.....	۲۱۵
۲-۹-۷. حوزه مبدأ در نقش مسند.....	۲۱۵
۳-۹-۷. حوزه مبدأ در نقش مضاف الیه.....	۲۱۶
۴-۹-۷. حوزه مبدأ در قالب فعل.....	۲۱۶
۱۰-۷. انتقال های تک حسی و چندحسی.....	۲۱۸
۱۱-۷. سبک شناسی به لحاظ استفاده از عبارت های حس آمیخته.....	۲۲۰
۱۲-۷. تفاوت های حس آمیزی ادراکی با حس آمیزی زبانی.....	۲۲۲
۱-۱۲-۷. بسامد عبارت های حس آمیخته در زبان و جامعه آماری افراد حس آمیخته.....	۲۲۳
۲-۱۲-۷. تناظرهای متفاوت.....	۲۲۳
۳-۱۲-۷. منحصربه فرد بودن تجربه حس آمیزی ادراکی در برابر ثابت بودن عبارت های حس آمیخته.....	۲۲۵
۱۳-۷. جمع بندی نهایی.....	۲۲۶
فهرست منابع.....	۲۲۹
واژه نامه.....	۲۴۱

فهرست نمودارها

- شکل ۱-۲، انگاره‌های عصب شناختی حس آمیزی (برگرفته از بارگری و میچل، ۲۰۰۸)..... ۴۹
- نمودار ۲-۳، سلسله‌مراتب انتقال حواس در زبان فارسی، ۸۱
- نمودار ۱-۴، سلسله‌مراتب حواس پایه‌ای به تمایزگذارنده بر اساس اولمان (۱۹۵۹)..... ۹۱
- نمودار ۲-۴، الگوی انتقال حواس در زبان انگلیسی بر اساس ویلیامز (۱۹۷۶)..... ۹۲
- نمودار ۳-۴، الگوی انتقال حواس در زبان انگلیسی بر اساس کلاسن (۱۹۹۳)..... ۹۳
- نمودار ۴-۴، سلسله‌مراتب انتقال حواس در زبان انگلیسی بر اساس پژوهش دی (۱۹۹۶)..... ۹۴
- نمودار ۵-۴، سلسله‌مراتب انتقال حواس در زبان آلمانی بر اساس پژوهش دی (۱۹۹۶)..... ۹۶
- نمودار ۶-۴، سلسله‌مراتب انتقال حواس در زبان چینی بر اساس پژوهش یو (۲۰۰۳)..... ۹۹
- نمودار ۷-۴، سلسله‌مراتب انتقال حواس در زبان انگلیسی و ایتالیایی بر اساس پژوهش لیورز (۲۰۱۵)..... ۱۰۱
- نمودار ۸-۴، سلسله‌مراتب انتقال حواس در زبان چینی بر اساس پژوهش ژائو و هوانگ (۲۰۱۵)..... ۱۰۵
- نمودار ۹-۴، سلسله‌مراتب انتقال حواس در زبان کره‌ای بر اساس پژوهش جو (۲۰۱۷)..... ۱۰۵
- شکل ۱-۴، تشخیص افراد حس آمیخته با استفاده از اعداد رنگی..... ۱۱۲
- نمودار ۱-۶، بسامد حوزه‌های مبدأ انتقال حواس در زبان فارسی..... ۱۶۱
- نمودار ۲-۶، بسامد حوزه‌های مقصد انتقال حواس در زبان فارسی..... ۱۶۳
- ۱۶۴
- نمودار ۳-۶، نسبت حواس پنجگانه در جایگاه توصیف مفاهیم حسی در مقایسه با مفاهیم انتزاعی..... ۱۶۴
- نمودار ۴-۶، پربسامدترین حوزه‌های مقصد انتزاعی در تعامل نگاشتی با حواس پنجگانه..... ۱۶۵
- نمودار ۵-۶، حواس پنجگانه در تعامل با مفاهیم انتزاعی..... ۱۷۷
- نمودار ۶-۶، الگوی انتقال حواس در زبان فارسی..... ۱۸۰
- نمودار ۱-۷، حواس پنجگانه در جایگاه حوزه مبدأ و مقصد..... ۱۸۶
- نمودار ۲-۷، الگوی دو بعدی انتقال حواس در زبان فارسی..... ۱۹۷
- نمودار ۳-۷، نقش حوزه‌های مبدأ انتقال حسی و بسامد هریک در پیکره..... ۲۱۴
- نمودار ۴-۷، نسبت هریک از نقش‌های دستوری در مقایسه با یکدیگر..... ۲۱۷

فهرست جدول‌ها

جدول ۱-۲. رخدادهای انواع حس آمیزی در جمعیت افراد حس آمیخته.....	۳۴
جدول ۲-۲. انواع حس آمیزی با حس القا کننده زبان و بسامد آن در جمعیت افراد حس آمیخته.....	۳۶
جدول ۳-۲. انواع حس آمیزی با حس القا کننده بینایی و بسامد آن در جمعیت افراد حس آمیخته.....	۳۸
جدول ۴-۲. انواع حس آمیزی با حس القا کننده لامسه و بسامد آن در جمعیت افراد حس آمیخته.....	۳۹
جدول ۵-۲. انواع حس آمیزی با حس القا کننده چشایی و بسامد آن در جمعیت افراد حس آمیخته.....	۴۱
جدول ۶-۲. انواع حس آمیزی با حس القا کننده شنوایی و بسامد آن در جمعیت افراد حس آمیخته.....	۴۱
جدول ۷-۲. انواع حس آمیزی با حس القا کننده بویایی و بسامد آن در جمعیت افراد حس آمیخته.....	۴۳
جدول ۸-۲. انواع حس آمیزی با حس القا کننده عواطف و بسامد آن در جمعیت افراد حس آمیخته.....	۴۴
جدول ۹-۲. انواع حس آمیزی با دیگر حواس القا کننده و بسامد آن‌ها در جمعیت افراد حس آمیخته.....	۴۵
جدول ۱۰-۴. تعدد انواع حس آمیختگی میان افراد حس آمیخته بر اساس پژوهش کایتوویک (۱۹۸۹).	
نقل شده در دی (۱۹۹۶).....	۹۵
جدول ۲-۴. حوزه‌های مبدأ انتقال حواس در زبان کره‌ای.....	۱۰۶
جدول ۱-۵. متون مورد استفاده در پیکره پژوهش.....	۱۳۸
جدول ۲-۵. کلیدواژه‌های هریک از حوزه‌های حواس پنجگانه.....	۱۴۶
جدول ۱-۶. نسبت نوع به نمونه در ۱۰ اثر بررسی شده در پیکره.....	۱۵۴
جدول ۲-۶. بسامد هریک از حوزه‌های مبدأ و مقصد در انتقال‌های حسی.....	۱۵۶
جدول ۳-۶. انواع انتقال حسی با مبدأیت حس لامسه.....	۱۵۷
جدول ۴-۶. گونه‌های متفاوت حس لامسه در جایگاه حوزه مبدأ.....	۱۵۹
جدول ۵-۶. انواع انتقال حسی با مبدأ حس چشایی.....	۱۶۰
جدول ۶-۶. حوزه‌های مبدأ حواس در توصیف حوزه مقصد کلام.....	۱۶۶
جدول ۷-۶. حوزه‌های مبدأ حواس در توصیف حوزه مقصد عواطف.....	۱۶۸
جدول ۸-۶. حوزه‌های مبدأ حواس در توصیف حوزه مقصد کنش.....	۱۶۹
جدول ۹-۶. حوزه‌های مبدأ حواس در توصیف حوزه مقصد حرکت.....	۱۷۰
جدول ۱۰-۶. حوزه‌های مبدأ حواس در توصیف حوزه مقصد انسان.....	۱۷۱
جدول ۱۱-۶. حوزه‌های مبدأ حواس در توصیف حوزه مقصد افکار.....	۱۷۱
جدول ۱۲-۶. حوزه‌های مبدأ حواس در توصیف حوزه مقصد وضعیت.....	۱۷۲

جدول ۶-۱۳. حوزه‌های مبدأ حواس در توصیف حوزه مقصد زمان.....	۱۷۳
جدول ۶-۱۴. حوزه‌های مبدأ حواس در توصیف حوزه مقصد خواب.....	۱۷۴
جدول ۶-۱۵. الگوریتم انتقال حواس در زبان فارسی.....	۱۷۸
جدول ۶-۱۶. فهرست انتقال‌های حسی پربسامد همراه با نسبت نوع به نمونه.....	۱۷۹
جدول ۶-۱۷. سلسله‌مراتب انتقال حواس در زبان فارسی.....	۱۸۰
جدول ۷-۲. انتقال‌های حسی پربسامد در پیکره.....	۱۸۵
جدول ۷-۲. انتقال‌های حسی کم‌بسامد در پیکره.....	۱۸۵
جدول ۷-۳. سلسله‌مراتب انتقال حواس در زبان‌های مختلف.....	۱۸۷
جدول ۷-۴. انتقال‌های حسی معکوس.....	۲۰۳
جدول ۷-۵. نسبت نوع به نمونه در انواع انتقال‌های حسی.....	۲۰۶
جدول ۷-۶. بسامد برخی ترکیبات حس‌آمیخته از نوع انتقال حسی لامسه ← شنوایی.....	۲۰۸
جدول ۷-۷. بسامد برخی ترکیبات حس‌آمیخته از نوع انتقال حسی لامسه ← بویایی.....	۲۰۹
جدول ۷-۸. بسامد برخی ترکیبات حس‌آمیخته از نوع انتقال حسی چشایی ← بینایی.....	۲۰۹
جدول ۷-۹. بسامد برخی ترکیبات حس‌آمیخته از نوع انتقال حسی چشایی ← بویایی.....	۲۱۰
جدول ۷-۱۰. بسامد برخی ترکیبات حس‌آمیخته از نوع انتقال حسی لامسه ← بینایی.....	۲۱۰
جدول ۷-۱۱. بسامد برخی ترکیبات حس‌آمیخته از نوع انتقال حسی چشایی ← شنوایی.....	۲۱۰
جدول ۷-۱۲. بسامد برخی ترکیبات حس‌آمیخته از نوع انتقال حسی چشایی ← لامسه.....	۲۱۰
جدول ۷-۱۳. بسامد برخی ترکیبات حس‌آمیخته از نوع انتقال حسی لامسه ← چشایی.....	۲۱۱
جدول ۷-۱۴. برخی ترکیبات نهاده‌پنه شده و بدیع در انواع انتقال‌های حسی.....	۲۱۱
جدول ۷-۱۵. الگوهای انتقال‌های چندحسی.....	۲۱۹
جدول ۷-۱۶. بسامد عبارات‌های حس‌آمیخته در بعضی آثار مورد استفاده در پیکره.....	۲۲۰
جدول ۲-۱. رخداد انواع حس‌آمیزی در جمعیت افراد حس‌آمیخته.....	۲۲۴

فصل اول: پیش زمینه

۱-۱. مقدمه

زبان‌شناسی شناختی به عنوان یکی از زیرشاخه‌های سازنده علم شناخت مجموعه‌ای از نظریه‌ها را دربرمی‌گیرد که به ابعاد شناختی ارتباط زبانی می‌پردازند. زبان‌شناسی شناختی، زبان را به عنوان ابزاری برای سامان‌دهی، پردازش و انتقال اطلاعات در نظر می‌گیرد. در حوزه مورد وصف، تحلیل مبانی مفهومی و تجربی مقولات زبانی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. بر این اساس، صورت ساخت‌های زبان نه به شکل مستقل بلکه به مثابه بازنمودهای سازمان‌بندی کلی و عام، اصول مقوله‌بندی، سازوکارهای پردازش و متأثر از تعامل با محیط و تجربه آن در نظر گرفته می‌شوند (گیرارتس^۱ و کویکنز^۲ ۲۰۰۷: ۳). در توضیح بیشتر باید افزود که یکی از مفروضات زبان‌شناسی شناختی آن است که شناخت بدون وجود بازنمودهای ذهنی که در رابطه هستی‌شناختی میان جهان خارج، ذهن و زبان نقش سازنده و واسط دارند شکل نمی‌گیرد. زبان‌شناسی شناختی به دانش سخنگویان زبان از جهان خارج توجه دارد و به این مسئله می‌پردازد که زبان چه نقشی در سامان‌دهی به این دانش دارد (افراشی، ۱۳۹۵: ۲۶).

^۱ D. Geeraerts

^۲ H. Cuyckens

دو زیرشاخه اصلی زبان‌شناسی شناختی^۱ عبارتند از: دستور شناختی^۲ و معناشناسی شناختی^۳ (اوز، ۲۰۰۷: ۲۲). معناشناسی شناختی به رابطه میان تجربه، نظام مفهومی^۴ و ساختار معنایی^۵ می‌پردازد که در زبان رمزگذاری می‌شود. معناشناسان شناختی، مطالعه ساختار مفهومی یا بازنمود دانش در ذهن و مفهوم‌سازی یا شکل‌گیری معنا را در دستور کار خود دارند. آن‌ها زبان را وسیله‌ای برای مطالعه نظام مفهومی می‌دانند. به همین دلیل است که پژوهش در معناشناسی شناختی با توجه به مدل‌سازی از ذهن بشر در ارتباط با زبان صورت می‌گیرد.

زبان‌شناسی شناختی، یک نظریه واحد نیست؛ بلکه رویکردی است که قالب‌های متفاوتی دارد. از جمله نظریه‌هایی که با برجسب معناشناسی شناختی معرفی می‌شوند می‌توان به مواردی چون نظریه استعاره مفهومی^۶ اشاره کرد که با حس‌آمیزی در ارتباط است. رویکرد شناختی به بازنمود عواطف در زبان و نیز بازنمود حواس و فعل‌های حسی در زبان نیز از موضوعات مطرح در زبان‌شناسی شناختی محسوب می‌شوند که در این پژوهش به آنها پرداخته شده است (افراشی، ۱۳۹۵: ۲۸).

با توجه به مقدمه‌ای که گفته شد، کتاب حاضر تلاش دارد تا در چارچوب مسائل علم شناخت و زبان‌شناسی شناختی، به بررسی یکی از پدیده‌های شناختی درخور توجه در زبان، یعنی حس‌آمیزی، بپردازد. به این منظور خوب است در ابتدا تعریفی از این پدیده ارائه دهیم.

¹ Cognitive Linguistics

² Cognitive Grammar

³ Cognitive Semantics

⁴ conceptual system

⁵ semantic structure

⁶ conceptual metaphor theory

۲-۱. حس آمیزی چیست؟

حس آمیزی^۱ پدیده‌ای ادراکی است که بر اساس آن، تحریک یکی از حواس موجب تحریک یک یا چند حس دیگر می‌شود. ادراک حس آمیخته، یک تجربه فردی درونی و پیچیده است که به سختی می‌تواند از سوی دیگران فهمیده شود؛ زیرا به دشواری قابل انتقال و بیان است. آنچه حس آمیزی را به یک تجربه قابل انتقال مبدل می‌کند، بیان حس آمیزی از طریق استعاره‌های مفهومی و ترکیب‌های وصفی است. پریمینجر^۲ (۱۹۷۴: ۸۳۹) حس آمیزی را این گونه تعریف می‌کند: ادراک یا توصیف فرآیند ادراک از طریق یک حس، در قالب حسی دیگر.

به عنوان نمونه به جملات زیر توجه کنید:

۱- حالا من می‌توانستم حرارت تشش را حس کنم و بوی نمناکی را که از گیسوان

سنگین سیاهش متصاعد می‌شد بپوشم (صادق هدایت / بوف کور).

۲- کمال به سردی به او نگاه کرد و با لحنی خشک دوباره گفت... (درازنای

شب / جمال میرصادقی).

در مثال ۱ نویسنده برای توصیف تجربه بویایی‌اش برای خواننده، تلاش کرده است تا از حس لامسه بهره ببرد. همچنین در جمله ۲ شاهد دو مورد حس آمیزی هستیم مورد اول به استعاره "نگاه سرد" باز می‌گردد که در آن برای توصیف تجربه بینایی از حس لامسه بهره گرفته شده است و در مورد دوم در ترکیب وصفی "لحن خشک"، کیفیت صدای گوینده از طریق حس لامسه توصیف شده است.

حس آمیزی پدیده‌ای درخور توجه است. در نظر ما افراد حس آمیخته کسانی هستند که قادر به مزه کردن رنگ‌ها و دیدن موسیقی هستند! اما چنانچه در این کتاب خواهید دید، این پدیده گسترده‌تر و پیچیده‌تر از این موارد است. از این رو پژوهش حاضر سعی دارد تا بازنمود این پدیده پیچیده شناختی در زبان را با رویکردهای زبان‌شناسی شناختی و بهره‌گیری از علم شناخت، مورد تحقیق و بررسی قرار دهد.

¹. synesthesia

². A. Preminger

آنچه حس آمیزی را برای سایر افرادی که فاقد این ویژگی هستند، قابل درک می‌سازد، بازنمود زبانی آن است. ادبیات مملو از موارد حس آمیزی است. این نکته جالب است که در همه زبان‌ها و نیز در ادبیات همه ملت‌ها ردی از حس آمیزی دیده می‌شود. حس آمیزی پدیده‌ای شناختی و دارای بنیان عصب شناختی است. از اینرو عجیب نیست که افراد حس آمیخته در نقاط مختلف دنیا یافت می‌شوند و ردی از حس آمیزی را در ادبیات اقوام و فرهنگ‌های گوناگون می‌توان یافت. با این حال بازنمود این پدیده در زبان‌ها و فرهنگ‌های مختلف می‌تواند متفاوت باشد. به عبارت دقیق‌تر الگوی انتقال حواس^۱ در زبان‌های مختلف با تغییراتی همراه است. اما منظور از الگوی انتقال حواس چیست؟

در عبارت‌های حس آمیخته، یکی از حواس در جایگاه حس مبدأ، برای توصیف حسی دیگر، در جایگاه حس مقصد به کار می‌رود و از نداشت حاصل از حس مبدأ بر روی حس مقصد، استعاره‌های حس آمیخته شکل می‌گیرند. اینکه در عبارت‌های حس آمیخته‌ی یک زبان، کدامیک از حواس در جایگاه حس مبدأ برای حسی دیگر قرار بگیرد، الگوی انتقال حواس نام دارد. انتقال حواس در عبارت‌های حس آمیخته، موضوعی است که به عنوان یک ملاک رده‌شناختی معنایی می‌تواند در سطح زبان‌های متفاوت مورد سنجش قرار گیرد. اولمان (۱۹۵۹: ۸۶) معتقد بود که انتقال حواس در استعاره‌های حس آمیخته تصادفی نیست؛ بلکه از یک الگو تبعیت می‌کند. ویلیامز (۱۹۷۶) به مطالعه گروه‌های وصفی حس آمیخته در زبان انگلیسی روزمره پرداخت. الگوهای انتقال بین حواس در زبان خودکار براساس یافته‌های پژوهش ویلیامز (همان) با نتایج پژوهش اولمان (۱۹۵۹) بر زبان شعر، هم‌سویی نشان داد. براساس آنچه گفته شد، درمی‌یابیم که دو پژوهش مذکور به اصولی جهانی برای انتقال‌های حسی در بازنمودهای زبانی حس آمیزی پرداخته‌اند.

شین (۱۹۹۷: ۵۱) به این موضوع پرداخته است که جهت‌مندی انتقال‌های حسی در حس آمیزی، تابع یک محدودیت شناختی است که براساس آن، نداشت از یک حوزه شناختی و مفهومی در دسترس و پایه، به حوزه شناختی دور از دسترس و کمتر

^۱. sense transfer

پایه‌ای صورت می‌گیرد. او در پژوهشی تجربی دریافت که انتقال از حس پایه به حس پیشرفته، نسبت به جهت معکوس آن طبیعی‌تر است. کلاسن^۱ (۱۹۹۳) نیز پژوهشی قوم‌شناختی و بین‌فرهنگی دربارهٔ رتبه‌بندی نظام‌های حسی انجام داد.

در خصوص این پژوهش‌ها و یافته‌های آنها در فصل بعد به تفصیل توضیح داده خواهد شد. اما نکته‌ای که از توجه به پژوهش‌های اولمان (۱۹۵۹)، ویلیامز (۱۹۷۶) و کلاسن (۱۹۹۳) بر می‌آید این است که در تمام این پژوهش‌ها حواس لامسه، چشایی و بویایی حواس مبنا به شمار می‌آیند؛ ولی در این‌که بینایی و شنوایی، کدامیک نسبت به دیگری از جایگاه مبنا در ساخت‌های استعاری برخوردار است، شواهد زبانی و فرهنگی، اندکی تفاوت نشان می‌دهند. این امر زمینه مناسبی برای انجام پژوهش‌های فراتر را به وجود می‌آورد.

۳-۱. ضرورت و اهمیت مطالعهٔ حس‌آمیزی در زبان فارسی

حس‌آمیزی یک وضعیت حسی و ادراکی ویژه است که برخی افراد آنرا تجربه می‌کنند. جالب است که در همهٔ زبان‌ها و نیز در ادبیات همهٔ ملت‌ها ردی از حس‌آمیزی دیده می‌شود. یکی از ملاک‌های حس‌آمیزی در زبان، مطالعهٔ الگوهای انتقالی بین حواس است. انتقال بین حواس در قالب سلسله‌مراتبی قابل مطالعه است که یک‌سوی آن حس لامسه و سوی دیگر آن حس بینایی است. این سلسله‌مراتب، امروزه به ملاکی برای رده‌شناسی معنایی زبان‌ها، بر اساس بازنمود الگوی حس‌آمیزی در آن‌ها بدل شده است. از این رو تعیین این الگوها در زبان فارسی می‌تواند در شناخت این پدیده و آگاهی از نحوه عملکرد مغز، ما را یاری کند. نتیجه این پژوهش از آن رو اهمیت دارد که امکان مقایسهٔ حس‌آمیزی در زبان فارسی را با سایر پژوهش‌ها دربارهٔ زبان‌های دیگر میسر می‌کند و جایگاه زبان فارسی را به لحاظ رده‌شناسی‌شناختی در میان سایر زبان‌ها مشخص می‌نماید. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که سخنگویان زبان فارسی معاصر از کدام حواس به عنوان حواس پایه‌ای و از کدام حواس به عنوان حواس تمایز گزارنده برای بیان ادراکات حسی خود استفاده

^۱ C. Classen

می‌کنند. از آنجا که حس‌آمیزی پدیده‌ای شناختی است و دارای بنیان عصب شناختی در مغز است، و از سوی دیگر باز نمود آن در زبان تاثیر پذیر از عوامل فرهنگی است، از این‌رو تحلیل شواهد حس‌آمیزی در زبان فارسی می‌تواند ما را به درک کامل‌تری از این پدیده رهنمون سازد و علاوه بر تبیین سازوکارهای فیزیولوژیک دخیل در این پدیده که جهانی هستند، با مقایسه‌های بین‌زبانی، نقش فرهنگ نیز در باز نمود زبانی این پدیده مورد بررسی قرار گیرد.

چنانچه در این‌سطور بیان شد و نیز در فصل‌های آینده کتاب به آن پرداخته خواهد شد، تعیین الگوی انتقال حواس در زبان از اهمیت برخوردار است. در اینجا این سوال پیش می‌آید که الگوی انتقال حواس در زبان فارسی چگونه است و متداول‌ترین حوزه‌های مبدأ و مقصد در انتقال‌های حسی کدام هستند. به عبارت دیگر در عبارت‌های حس‌آمیخته، فارسی‌زبانان از کدامیک از حواس بیشترین استفاده را می‌کنند تا به توصیف سایر حواس بپردازند و کدامیک از حواس در توصیف دنیای پیرامون ما نقش برجسته‌تری ایفا می‌کنند. این سوالی است که در فصل ششم کتاب به آن پرداخته خواهد شد.

از سوی دیگر به حس‌آمیزی آن‌طور که باید و قابل قیاس با مطالعات شناختی بین‌المللی باشد در ایران پرداخته نشده است. از این‌رو نگارندگان کتاب حاضر قصد دارند با بررسی پیکره‌ای از ادبیات معاصر، سلسله‌مراتب انتقال حواس در زبان فارسی را مشخص کنند تا از این رهگذر ضمن بررسی پدیده حس‌آمیزی در زبان فارسی به الگوهای رایج و همگانی و نیز تفاوت‌های فرهنگی در باز نمود زبانی این پدیده پرداخته شود. این امر با مقایسه الگوهای حس‌آمیزی در زبان فارسی با نتایج موجود از بررسی‌های مشابه در سایر زبان‌ها حاصل خواهد شد. دستیابی به این اهداف علاوه بر تبیین پدیده حس‌آمیزی به لحاظ شناختی، می‌تواند روشن‌کننده نکاتی فرهنگی نیز باشد؛ مثلاً اینکه ما فارسی‌زبانان در توصیف دنیای پیرامون خود به کدامیک از حواس ارجحیت بیشتری می‌دهیم.

شنوایی در جایگاه حوزه مقصد به کار رفته است. در پژوهش حاضر این انتقال در قالب بردار حوزه مبدأ ← حوزه مقصد نشان داده می‌شود که در این مورد خاص می‌شود: چشایی ← شنوایی. به عنوان نمونه‌های بیشتر به انتقال‌های حسی زیر که برگرفته از پایگاه داده‌های زبان فارسی است، توجه کنید:

۵۱. بویی را در هوا می‌شنیدم که بینی‌ام را آزار می‌داد.

شنوایی ← بویایی

۵۲. کلی ناسزا و حرف و سخنخورد.

چشایی ← شنوایی

۵۳. به نرمی آواز می‌خواند.

لامسه ← شنوایی

۵۴. بویی در هوا پیچیده بود که کامم را تلخ می‌کرد.

چشایی ← بویایی

۵۵. هوا از بویی ناخوشایند سنگین شده بود.

لامسه ← بویایی

۵۶. نگاهش بر بدنم سنگینی می‌کرد.

لامسه ← بینایی

انتقال حواس در استعاره‌های حس‌آمیخته موضوعی است که به عنوان یک ملاک رده‌شناختی معنایی می‌تواند در سطح زبان‌های متفاوت موردسنجش قرار گیرد. چنانچه در فصل آینده مشاهده خواهیم کرد، در اغلب پژوهش‌هایی که با رویکرد زبانی به مطالعه حس‌آمیزی پرداخته‌اند، موضوع انتقال حواس محور اصلی پژوهش آنها قرار دارد. از شاخص‌ترین این پژوهش‌ها می‌توان به اولمان (۱۹۵۹)؛ ویلیامز (۱۹۷۶)، کلاسن (۱۹۹۳)، دی (۱۹۹۶)، شن (۱۹۹۷)، یو (۲۰۰۳)، لیورز (۲۰۱۵)، ژانو و هوانگ (۲۰۱۵) و جو (۲۰۱۷) اشاره کرد که در فصل بعد مورد بحث و بررسی قرار خواهند گرفت. اولمان (۱۹۶۴: ۸۶) معتقد است که انتقال حواس در

استعاره‌های حس آمیخته تصادفی نیست؛ بلکه از الگویی تبعیت می‌کند. او با بررسی حوزه‌های مبدأ و مقصد در اشعار فرانسوی و انگلیسی و مجاری قرن نوزدهم سه الگوی غالب را معرفی کرد: الف) انتقال از حواس پایه‌ای^۱ به حواس پیشرفته^۲ رایج‌تر از جهت عکس آن به شمار می‌آید: بیش از ۸۰ درصد از مجموع ۲۰۰۰ نمونه بررسی شده توسط وی این روند را نشان می‌داد؛ ب) حوزه لامسه فراگیرترین حوزه مبدأ است؛ پ) در استعاره‌های حس آمیخته، حوزه شنوایی فراگیرترین حوزه مقصد به‌شمار می‌آید. در نگرش اولمان حواس لامسه، بویایی و چشایی، حواس پایه و شنوایی و بینایی حواس پیشرفته محسوب می‌شوند. سلسله‌مراتب انتقال حواس بر اساس اولمان (۱۹۵۹) به صورت زیر قابل طرح است:

لامسه ← چشایی ← بویایی ← بینایی ← شنوایی
نمودار ۱-۳. سلسله‌مراتب انتقال حواس بر اساس اولمان (۱۹۵۹).

بر اساس این سلسله‌مراتب، مشخص می‌شود که لامسه پایه‌ای‌ترین حس و در عین حال فراگیرترین حوزه مبدأ و حس شنوایی فراگیرترین حوزه مقصد در استعاره‌های حس آمیخته محسوب می‌شود.

تفسیر نمودار فوق به این صورت است که در استعاره‌های حس آمیخته در زبان‌های مورد بررسی اولمان (۱۹۵۹)، حس لامسه به طور متداول به عنوان حوزه مبدأ برای حواس مقصد چشایی، بویایی، شنوایی و بینایی قرار می‌گیرد. همین‌طور حس چشایی به طور متداول به عنوان حوزه مبدأ برای حواس مقصد بویایی، شنوایی و بینایی قرار می‌گیرد. همین رویه برای حواس بویایی و بینایی نیز صادق است. اما نکته قابل توجه در خصوص این نمودار و سایر نمودارهایی که به بیان سلسله‌مراتب انتقال حواس می‌پردازند این است که این نمودارها بیانگر انتقال‌های حسی غالب در یک زبان هستند. به عبارت دیگر جهت‌های پیکان در این نمودار بدین معنا نیست که هیچ انتقال حسی در جهت عکس آن‌ها در زبان مربوط یافت نمی‌شود. برای

¹lower senses

²Higher senses

مثال چنانچه در فصل ششم خواهیم دید، الگوی انتقال حواس در زبان فارسی به این صورت است:

لامسه ← چشایی ← بینایی ← بویایی ← شنوایی

نمودار ۳-۲. سلسله‌مراتب انتقال حواس در زبان فارسی.

نمودار فوق به این معنا نیست که ما در زبان فارسی هیچ انتقال حسی در جهت عکس آن نداریم. برای نمونه به مثال‌های زیر که برگرفته از پیکره هستند، توجه کنید:

۵۷. گرمای سفید رنگ روی همه‌چیز معلق مانده بود (دایی جان ناپلئون/پزشک زاد).

۵۸. پوست تش را غلغلک شیرین و خواب آوری می‌داد (انتری که لوطیش مرده بود/چوبک).

چنانچه مشاهده می‌کنیم در مثال ۵۷ شاهد انتقال حسی بینایی ← لامسه و در مثال ۵۸ شاهد انتقال حسی چشایی ← لامسه هستیم که همگی انتقال‌های حسی در جهت خلاف الگوی غالب انتقال حواس در زبان فارسی هستند. بنابراین نمودار انتقال حواس در یک زبان بیانگر الگوی انتقال حواس با بیشترین بسامد در آن زبان است.

از سوی دیگر گفته فوق به این معنا نیست که هر انتقال حسی در جهت خلاف این نمودار امکان‌پذیر است. در اینجا خوبست که اشاره‌ای به پژوهش شن (۱۹۹۷) داشته باشیم. شن (۱۹۹۷: ۵۱) به این موضوع پرداخته است که جهت‌مندی انتقال‌های حسی در حس آمیزی، تابع یک محدودیت شناختی است که براساس آن، نگاشت از یک حوزه شناختی و مفهومی در دسترس و پایه‌ای به حوزه شناختی دور از دسترس و کمتر پایه‌ای صورت می‌گیرد. او در پژوهشی تجربی بر مبنای قضاوت آزمون‌ورها دریافت که انتقال از حس پایه به حس تمایزگذارنده نسبت به جهت معکوس آن طبیعی‌تر است. به همین دلیل است که دو نمونه ۵۹ و ۶۰ در زبان فارسی، ناپذیرفتنی و نمونه‌های ۶۱ و ۶۲ پذیرفتنی محسوب می‌شوند:

۵۹. * طعم شفاف

۶۰. * بوی بم

۶۱. صدای گوشخراش

۶۲. رنگ سرد

دو نمونه ۵۹ و ۶۰ ناپذیرفتنی‌اند، زیرا در آن‌ها حواس مقصد بینایی و شنوایی در نقش توصیف‌گر برای حواس مبدأ چشایی و بویایی به کار رفته‌اند. در مقابل، دو نمونه ۶۱ و ۶۲ پذیرفتنی‌اند زیرا حس مبدأ لامسه در نقش توصیف‌گر برای حواس مقصد شنوایی و بینایی به کار رفته است.

نگاهی به پژوهش‌های صورت گرفته در حوزه عبارت‌های حس آمیخته در زبان، نشان می‌دهد که در اکثر رتبه‌بندی‌های حواس به ترتیب لامسه، چشایی و بویایی حواس مبنا به شمار می‌آیند؛ ولی در این‌که بینایی و شنوایی، کدامیک نسبت به دیگری از جایگاه مبنا در ساخت‌های استعاری برخوردار است، شواهد زبانی و فرهنگی، اندکی تفاوت نشان می‌دهد. این امر زمینه مناسبی برای انجام پژوهش‌های فراتر را به وجود می‌آورد.

۳-۴-۳. عبارت‌های حس آمیخته نهادینه شده^۱ و بدیع^۲

استعاره‌ها از منظرهای مختلف قابل دسته‌بندی هستند؛ برای مثال (گوتلی^۳ ۱۹۹۷: ۳۲)، استعاره‌ها را بنابر رابطه موجود میان کاربرد لغوی و استعاری آن‌ها به پنج دسته تقسیم می‌کند:

۱. مرده؛^۴ ۲. دفن شده؛^۵ ۳. خواب رفته؛^۶ ۴. خسته؛^۷ ۵. فعال.^۸

^۱ Conventionalized

^۲ Innovative Metaphors

^۳ A. Goatly

^۴ dead metaphor

^۵ buried metaphor

^۶ sleeping metaphor

^۷ tired metaphor

^۸ active metaphor

این طبقه‌بندی بر این اساس شکل گرفته است که هنگام درک استعاره، کدامیک از معانی استعاری یا لغوی ابتدا در ذهن شنونده نقش می‌بندد و به عبارت دیگر کدامیک از معانی غالب می‌باشد.

اما لیکاف (۱۹۸۷) دو مبنا را برای طبقه‌بندی استعاره‌ها وضع می‌کند: ۱- وجود یا عدم وجود معنای لغوی استعاره‌ها در زبان روزمره که استعاره‌های تاریخی را از بقیه انواع استعاره‌ها جدا می‌سازد ۲- وجود یا عدم وجود نگاشتی نظاممند از حوزه‌ای به حوزه دیگر (لیکاف ۱۹۸۷ به نقل از دینان^۱، ۲۰۰۵: ۳۷).

دینان (۲۰۰۵: ۳۹) تلفیقی از این دو رویکرد ارائه می‌دهد که در آن با بهره‌گیری از امکانات زبان‌شناسی پیکره‌ای، استعاره‌ها را به چهار دسته طبقه‌بندی می‌کند: ۱- استعاره‌های بدیع ۲- استعاره‌های نهادینه شده ۳- استعاره‌های مرده ۴- استعاره‌های تاریخی^۲

آنچه در این بخش ذکر شد مربوط به طبقه‌بندی انواع استعاره‌ها از منظرهای مختلف بود. استعاره‌های حس‌آمیخته خود دسته‌ای از استعاره‌ها به شمار می‌آیند، اما چنانچه پیشتر شرح داده شد تفاوت‌هایی نیز با استعاره‌های مفهومی دارند؛ از جمله اینکه در این دست استعاره‌ها، حوزه مقصد نه انتزاعی، بلکه عینی است.

بنابر آنچه گفته شد و همچنین بررسی‌های پیکره‌ای صورت گرفته در این اثر می‌توان انواع عبارت‌های حس‌آمیخته را به دو دسته تقسیم کرد: ۱- عبارت‌های حس‌آمیخته نهادینه شده ۲- عبارت‌های حس‌آمیخته بدیع

عبارات حس‌آمیخته نهادینه شده آن دسته از موارد انتقال حسی را شامل می‌شوند که گوینده یا نویسنده هنگام بیان عبارت مذکور، از انتقال حسی صورت گرفته آگاه نیست و از این عبارت‌ها به طور خودکار در زبان روزمره استفاده می‌کند. از دیدگاه پیکره‌ای این دسته از انتقال‌های حسی عباراتی را شامل می‌شوند که از بسامد بالایی در پیکره برخوردارند. عباراتی نظیر؛ صدای گرم، صدای خشک و یا لبخند شیرین از این دسته محسوب می‌شوند.

^۱ A.Deignan

^۲ Historical Metaphors

از سوی دیگر عبارت‌های حس‌آمیخته بدیع آن دسته از موارد انتقال حسی را شامل می‌شوند که گوینده یا نویسنده آگاهانه دست به ابداع عبارت مذکور می‌زند. عباراتی نظیر انحنای لطیف، بوی چرب و یا عطر گس از این دسته محسوب می‌شوند. از دیدگاه پیکره‌ای، بسامد چنین عباراتی در پیکره مورد بررسی پایین است. در چنین مواردی می‌توان احتمال داد که این عبارت بدیع محصول تجربه شخصی خود گوینده است و به عبارتی این تلفیق حواس در ذهن گوینده آن شکل گرفته است.

البته مرز دقیقی میان عبارت‌های حس‌آمیخته نهاده شده و بدیع وجود ندارد و در بعضی موارد تشخیص این دو دسته از یکدیگر دشوار است و نیاز به دقت و جستجوی زیاد در پیکره دارد. در بخش ۷-۸ با استفاده از نمونه‌های برگرفته از پیکره در این مورد به تفصیل صحبت خواهد شد.

۳-۵. جمع‌بندی مطالب

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های زبان‌شناسی شناختی ماهیت میان‌رشته‌ای آن است. بی‌تردید بر اساس تعریفی که معناشناسی تا دهه ۱۹۷۰ میلادی با آن شناخته می‌شد، نمی‌توان تصور کرد موضوعی نظیر بازنمود حس‌آمیزی در زبان که در حوزه مطالعات ادبی جای داشت، در آن قابل طرح باشد. ولی با سرعت گرفتن جریان علم و شکل گرفتن پیوندهای میان علوم، تعاملی میان تحلیل‌های علمی در حوزه‌های مختلف مطالعه ایجاد شد و تحلیل‌ها در یک حوزه علمی بر دستاوردهای حوزه علمی دیگر استوار شد و به این ترتیب ماهیت زبان‌شناسی نیز متحول گردید. در نتیجه تحول زبان‌شناسی به علمی میان‌رشته‌ای به نام زبان‌شناسی شناختی، برخی از پرسش‌های قدیمی درخصوص حس‌آمیزی که به شیوه علمی پاسخ داده نمی‌شد به کمک علومى مانند روان‌شناسی، علوم اعصاب و فرهنگ‌پژوهی و جز آن، فراتر از آن که پاسخ‌هایی پیدا کرد، تبیین نیز شد؛ یعنی دلایل شکل‌گیری این دست عبارت‌ها در حوزه‌های دیگر مطالعه، به دست آمد.

کتاب حاضر در حوزه زبان‌شناسی شناختی و به‌طور مشخص معناشناسی شناختی قرار دارد. از این‌رو در بخش اول این فصل ضمن معرفی علم میان‌رشته‌ای شناخت و زبان‌شناسی شناختی، به‌برخی مفاهیم رایج در معناشناسی شناختی و مهمترین بخش آن، یعنی نظریه استعاره مفهومی پرداخته شد. از آنجا که بخشی از داده‌های این پژوهش رابطه حواس پنجگانه و عواطف را نمایان خواهند ساخت، در این فصل به شرح مختصری از مفاهیم عاطفی و جایگاه عواطف در مطالعه زبان پرداختیم. در ادامه به معرفی افعال حسی و نقش آنها در شکل‌گیری استعاره‌ها و عبارت‌های حس‌آمیخته پرداخته شد. در فصل هفتم تلاش خواهد شد تا تبیینی از بازنمود پدیده حس‌آمیزی در زبان بر پایه فرضیه بدنمندی که از جدیدترین رویکردها در مطالعات زبان‌شناسی محسوب می‌شود، ارائه گردد. از این‌رو شرح فرضیه بدنمندی از دیگر مباحثی بود که در این فصل مورد نظر قرار گرفت.

امروزه زبان‌شناسی شناختی به شاخه‌ای مطرح و قدرتمند در مطالعات زبانی تبدیل شده است، چراکه با رشد و گسترش آن در سال‌های اخیر، توانایی توجیه و تبیین بسیاری از پدیده‌های زبانی با استفاده از این علم فراهم آمده است. از این‌رو در این فصل تلاش شد تا یکی از مباحث رایج در مطالعات زبانی، یعنی بازنمود حس‌آمیزی در زبان، با استفاده از این حوزه علمی مورد بحث و بررسی قرارگیرد.